# 950208-746

**‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌چهار‌شنبه – جلسۀ 120**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به رمی جمرات بود.

عرض کردیم کسانی که در روز عاجز هستند از رمی جمرات یا بر آن‌ها مباشرت در رمی جمرات حرجی هست، جایز هست شب رمی جمرات را انجام بدهند. بلکه این مطلب مقدم هست بر استنابه در روز. واجب هست خودشان شب قبل بروند و رمی جمرات بکنند. ولی اگر این هم بر آن‌ها حرجی باشد آن وقت نوبت می‌رسد به استنابه.

در مدارک فرموده است که ما برای معذور گفتیم که هر رمی جمراتی را شب قبلش برود انجام بدهد. ولی اگر فرض کنید متمکن نباشد این شخص برای این هر شب برود رمی جمرات فردا را انجام بدهد، بعید نیست که یک شب برود و رمی جمیع جمرات را در این چند روز انجام بدهد. مثلا همان شب عید رمی جمره عقبه بکند، رمی جمرات روز یازدهم و روز دوازدهم را هم همان شب عید انجام بدهد.

تعلیلی که می‌کند می‌گوید لانه اولی من الترک. این بهتر از هیچ است. او التاخیر. یا این‌که بخواهد تاخیر بیندازد بعد از وقت قضاء بکند. بالاخره یک شب بیاید کل این سه روز را انجام بدهد در یک شب نسبت به رمی جمرات سه روز، رمی جمره عقبه روز عید رمی جمرات سه‌گانه روز یازدهم رمی جمرات سه‌گانه روز دوازدهم. این‌ها را یک شب انجام بدهد جلوتر در شب عید بهتر است از این‌که اصلا انجام ندهد یا با تاخیر انجام بدهد.

[سؤال: ... جواب:] ایشان فرموده لانه اولی من الترک او التاخیر. بهتر از این هست که تاخیر بیندازد رمی جمرات روز یازدهم و روز دوازدهم را به روزهای دیگر و روزهای دیگر قضاء بکند آن را.

صاحب جواهر فرموده یعنی چه لانه اولی من الترک او التاخیر؟ این‌که شد مجرد اعتبار. یعنی به تعبیر صریح‌تر استحسان. بله، آنچه که صاحب مدارک در ذیل کلامش اشاره کرده که ربما فی اطلاق بعض الروایات دلالة علیه، این حرف خوبی است. بعضی از روایات اطلاقش این فرض را می‌گیرد.

مراد صاحب مدارک و صاحب جواهر از اطلاق بعض روایات این است که در صحیحه زراره و محمد بن مسلم راجع به خائف داشت که جایز هست خائف ان یفیض بلیل و یرمی الجمار بلیل. این تعبیر در صحیحه زراره و صحیحه محمد بن مسلم که وارد شده،‌ ظاهرش این است که خائف همان شب عید می‌آید از مشعر به منی، رمی جمرات تا آخر را انجام می‌دهد و می‌رود دنبال کارش. چون در صحیحه زراره و محمد بن مسلم تعبیر این است: لابأس للخائف ان یرمی الجمار بلیل و یضحی بلیل و یفیض بلیل. ترتیب را این‌طور ذکر کرد. لاباس للخائف یا رخص للخائف ان یرمی الجمار بلیل و یضحی بلیل قربانی بکند در شب، و یفیض بلیل. این یفیض بلیل را آخر ذکر کرد. این ظاهرش این است که همان شب رمی جمار می‌کند قربانی می‌کشد و یفیض بلیل و همان شب کوچ می‌کند به سمت شهر خودش.

[سؤال: ... جواب:] تقریب استدلال این است.

اشکالی که مطرح می‌شود همین اشکال است که گفته می‌شود که آقا! یفیض بلیل کی می‌گوید مربوط به افاضه از منی به شهر خودش است؟ نه؛ شاید مراد این است که افاضه کند از منی به مکه یا این‌که افاضه از مشعر به منی هست منتها تاخیر ما حقه التقدیم شده. یعنی یفیض بلیل با این‌که آخر ذکر شده ولی همان افاضه از مشعر به منی را می‌خواهد بگوید. تاخیر ما حقه التقدیم است. مناسب بود که اول بگویند افاضه از مشعر به منی بکند در شب و رمی جمره بکند در شب و قربانی بکشد در شب، چه بسا تقدیم ما حقه التاخیر و تاخیر ما حقه التقدیم شده، آن افاضه از مشعر را آخر گفتند.

ولی انصاف این است که همان‌طور که آقای خوئی پذیرفتند استدلال صاحب مدارک و صاحب جواهر را این احتمال که مراد از یفیض بلیل در آخر حدیث افاضه از مشعر باشد این خلاف ظاهر است. اگر بحث افاضه از مشعر بود مناسب بود اول بگویند.

[سؤال: ... جواب:] اول از مشعر می‌رود منی. در منی رمی جمره عقبه می‌کند، قربانی می‌کشد، تمام می‌شود بعد حلق و تقصیر می‌کند این تمام می‌شود کار منی.

این خلاف ظاهر است که ما بگوییم تاخیر ما حقه التقدیم. این قرینه می‌خواهد. این ظاهرش این است که اول رمی جمار بعد قربانی بعد افاضه. و ظاهر افاضه هم یفیض بلیل یعنی کوچ بکند،‌ برود، برود بقول مطلق ندارد که برود به مکه برای اعمال. اتفاقا خائف در روایات دیگر گفتند اعمال را زودتر انجام می‌دهد. خائف از عدو. اعمال را زودتر انجام می‌دهد. وقتی اعمال را زودتر انجام می‌دهد بعد این افاضه بکند به مکه؟ مکه که ترس بیشتر است کاری هم که ندارد در مکه. اعمال را که روایت می‌گفت خائف لاباس ان یقدم الطواف و طواف النساء و یودّع البیت اذا کان خائفا. قبل از خروج به عرفات روایت داشت: لاباس للخائف ان یقدم طواف الحج و طواف النساء و یودّع البیت اذا کان خائفا. قبل از خروج به عرفات طواف و سعی و طواف نساء این خائف کرده. بعد رفته عرفات. مشعر هم همان شب افاضه می‌کند و کوچ می‌کند به منی، رمی جمرات می‌کند،‌ قربانی هم می‌کشد،‌ بعدش فرموده که یفیض بلیل،‌ انصاف این است که ظاهرش همین است که صاحب مدارک و صاحب جواهر و آقای خوئی فرمودند که این یعنی همان شب کارها تمام شده است، برود به وطنش.

و لااقل مناسبت حکم و موضوع اقتضاء می‌کند این مطلب را که این خائفی که شب عید قربانی می‌کشد و رمی جمار می‌کند فرض این است که خائف هست، می‌خواهد از مکه و منی برگردد برود وطنش می‌ترسد بماند. مناسبت حکم و موضوع اقتضاء می‌کند که این‌که گفتند و یرمی الجمار بلیل یعنی کل این جمرات از این روز دهم و یازدهم و دوازدهم را همان شب عید رمی می‌کند و یضحی بلیل و یفیض بلیل.

منتها مشکل ما این است که این در مورد خائف است. می‌شود تعدی کرد به غیر خائف؟

[سؤال: ... جواب:] حالا راجع به رمی جمرات روز دوازدهم و سیزدهم و یازدهم، ان شاء الله خواهیم گفت که ترتیب بین این رمی جمرات روز دهم و یازدهم [و دوازدهم] و سیزدهم و قربانی وجود ندارد. این را بعدا توضیح خواهیم داد.

پس مشکل ما در خائف نیست. مشکل ما در غیر خائف است. غیر خائف من العدو، این پیرمردی که می‌گوید من با این وضع جسمی مگر هر شب یا هر روز می‌توانم بیایم جمرات؟ بگوییم شما پس شب دهم رمی جمره عقبه بکن، رمی جمرات سه‌گانه روز یازدهم را هم انجام بده، رمی جمرات روز دوازدهم را هم انجام بده، به چه دلیل؟ الغاء خصوصیت از خائف من العدو مشکل است. و لذا احتیاط این است که غیر خائف رمی جمره عقبه می‌کند در شب عید برای رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم اگر شب آن روز نمی‌تواند بیاید، احتیاط این است که نایب هم بگیرد، اکتفاء نکند به رمی جمرات مربوط به روز یازدهم و دوازدهم در شب دهم. این از مختصات خائف من العدو شاید باشد.

[سؤال: ... جواب:] اگر در مورد خائف بگویند لاباس للخائف ان یرمی الجمار بلیل و یضحی بلیل و یفیض بلیل، این مراد یفیض الی مکة باشد لاداء الاعمال؟ این راجع به جمرات روز یازدهم و دوازدهم سخنی نگفت. بر خلاف این‌که بگوییم یفیض بلیل یعنی افاضه کند و کوچ کند به شهر خودش. ... حالا راجع به یرمی الجمار دیروز بحث کردیم. واقعا اگر یرمی الجمار ما یصلح للقرینیة باشد که و یفیض بلیل یعنی یفیض الی مکة لاداء الاعمال شبهه می‌شود که نکند مراد از یرمی الجمار همان رمی جمره عقبه در شب عید باشد. بر خلاف این‌که و یفیض بلیل را بگویید ظاهر در این است که کوچ بکند و برود به شهر خودش که دیگر جایی برای ادامه اعمال نمی‌ماند.

[سؤال: ... جواب:] نه؛ خائف که می‌خواهد کوچ کند برود از منی و مکه به شهر خودش همان شب دهم، که هیچ. کل رمی جمار را همان شب دهم انجام می‌دهد که ظاهر روایت هم همین است. غیر خائف من العدو پیرمرد‌ها،‌ پیرزن‌ها که می‌گویند بر ما حرجی است حالا آمدیم امشب شب عید رمی جمره عقبه کردیم ولی اجازه بدهید، سنگ هم آوردیم، بگذارید رمی جمرات شب یازدهم و شب دوازدهم را هم همین امشب انجام بدهیم چون برای ما حتی شب‌های بعد آمدن به جمرات حرجی است. واقعا تعمیم حکم به این شکل مشکل هست فلایترک الاحتیاط.

جهت اخیره این بحث این است که همان‌طور که آقای خوئی فرمودند جواز رمی جمرات در شب برای معذورین ربطی به بحث جواز نفر از منی ندارد. به پیرمردها، پیرزن‌ها آقای خوئی فرمودند ما هم عرض کردیم مشکلی نیست، ما بعید نیست که از روایات الغاء خصوصیت بکنیم، مطلق زن‌ها نه؛ که آقای خوئی در استفتائات داشت او را قبول نداریم زن‌های معذور مردهای معذور این‌ها می‌توانند شب دوازدهم بیایند رمی جمرات روز دوازدهم را انجام بدهند، ولی همان‌طور که آقای خوئی فرموده مجاز نیستند این‌ها همان شب کوچ بیایند مکه. چون من نفر فی النفر الاول فلایجوز ان ینفر قبل الزوال شامل‌شان می‌شود. اطلاق دارد.

و این‌که در مناسک امام صریحا آمده کسانی که از رمی در روز معذورند و می‌توانند شب دوازدهم برای روز دوازدهم رمی کنند می‌توانند بعد از مبیت واجب خارج شوند و لازم نیست تا ظهر روز دوازدهم صبر کنند، ما قبلا هم عرض کردیم این مطلب خلاف ظاهر روایات است؛ بلکه خلاف عبارت تحریر الوسیلة هم هست. کسی که در نفر اول می‌خواهد نفر کند از منی جایز نیست قبل از ظهر نفر کند. باید ظهر روز دوازدهم بشود بعد نفر کند و این اطلاق دارد چه بخواهد بعد از طلوع آفتاب روز دوازدهم نفر کند یا بخواهد شب نفر کند، فرقی نمی‌کند.

[سؤال: ... جواب:] خائف حسابش جدا است. خائف اصلا همان شب دهم اعمال را تمام می‌کند و می‌رود به شهر خودش. ... خائف با معذورین فرق می‌کند. خائف حکمش هم شرعا هم عرفا فرق می‌کند. از دشمن می‌ترسد، می‌ترسد دستگیرش کنند می‌ترسد ترورش کنند. این قیاسش با آن پیرمرد یا پیرزنی که می‌گوید بر من حرجی است که بخواهم مثلا فرض کنید که... به مقداری که حرجی است می‌گویید لاحرج تکلیف‌تان را بر می‌دارد. اگر واقعا حرجی است شما بمانید تا اذان ظهر روز دوازدهم در مکه، بسیار خوب، حرجی است بفرمایید بروید. اما مدیر کاروان بگوید هر کس در شب دوازدهم سنگ زده به جمرات،‌ چون روز دوازدهم بر او رمی جمرات مشکل دارد، سوار اتوبوس بشود برویم مکه، نخیر؛ همچون چیزی نیست. آن‌هایی که بقائشان در منی و نفرشان بعدازظهر روز دوازدهم از منی حرجی است فقط آن‌ها می‌توانند شب را خارج بشوند از منی و نفر بکنند از منی به دلیل لاحرج.

مسئله 434: من نسی الرمی فی الیوم الحادی‌عشر وجب علیه قضائه فی الثانی‌عشر و من نسیه فی الثانی‌عشر قضاه فی الثالث‌عشر و الاحوط، احتیاط واجب، ان یفرق بین الاداء و القضاء و ان یقدم القضاء علی الاداء و ان یکون القضاء اول النهار و الاداء عند الزوال.

چند تا نکته در این بحث هست:

نکته اول این است که بلااشکال کسی که فراموش کند رمی جمرات روز یازدهم را باید قضاء کند آن را روز دوازدهم.

[سؤال: ... جواب:] رمی جمره عقبه در روز دهم حکمش قبلا گذشت. راجع به او بحثی ندار. او هم باید قضاء می‌کرد. اما فعلا بحث ما راجع به رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم است.

کسی هم که روز دوازدهم فراموش کرده رمی جمرات را روز سیزدهم باید قضاء کند.

در جواهر راجع به این مطلب می‌گوید بلاخلاف اجده بیننا فی وجوب القضاء بل الاجماع بقسمیه علیه. دلیلش هم روشن است صحیحه معاویة بن عمار: الرجل ینکس فی رمی الجمار فیبدأ بالجمرة العقبة ثم الوسطی ثم العظمی، تعبیر از جمره اولی کرده به جمره عظمی، قال یعود، فیرمی الوسطی، حضرت فرمود آن جمره اولی که صحیح است، چون بالاخره جمره اولی را زد، او صحیح است، ولی جمره عقبه و جمره وسطی چون قبلا زده شده باطل است، یعود فیرمی الوسطی ثم یرمی جمرة العقبة و ان کان من الغد، یعنی اگر امروز نشد فردا قضاء کند.

[سؤال: ... جواب:] عادة این شخص یا ناسی است یا جاهل. حالا جاهل است به موضوع یا جاهل است به حکم. ... اطلاق این روایت نسیان را هم می‌گیرد.

[سؤال: ... جواب:] چون ارتکاز متشرعی این است که اداء واجب است نه این‌که انسان مخیر باشد بین اداء و قضاء. این قرینه می‌شود بر این‌که و ان کان من الغد یعنی اگر امروز نشد فردا. ولی اگر امروز شد حتما امروز این کار را بکند.

[سؤال: ... جواب:] کسی که باطل انجام می‌دهد از روی نسیان به او می‌گویند برگرد قضاء کن این جمراتی را که باطل انجام دادی و لو از روی نسیان کسی که ترک بکند از روی نسیان به طریق اولی باید قضاء بکند. ... این روایت اطلاقش می‌گیرد. رمی جمرات روز سیزدهم را بر کسی که واجب بود بر او رمی جمرات روز سیزدهم مثل این‌که شب را در منی ماند، شب سیزدهم را، و ان کان من الغد می‌گوید باید روز چهاردهم بیایی و قضاء کنی رمی جمرات روز سیزدهم را که نسیانا ترک کردی بر کسی که واجب بود رمی جمرات بکند روز سیزدهم چون شب سیزدهم در منی بود.

مطلب دوم این است که در جواهر فرموده مثلا شما روز یازدهم فراموش کردی رمی جمرات را، شد روز دوازدهم، روز دوازدهم اول قضاء کن رمی جمرات روز یازدهم را، بعدا اداء بکن رمی جمرات روز دوازدهم را، بلاخلاف اجده فیه بل عن الخلاف الاجماع علیه و فی المدارک هو مقطوع به فی کلمات الاصحاب.

استدلال می‌کند در جواهر به صحیحه عبدالله بن سنان برای وجوب تقدیم قضاء در رمی جمرات بر اداء. سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل افاض من جمع (افاض من المشعر) حتی انتهی الی منی فعرض له عارض فلم یرم حتی غابت الشمس قال یرمی اذا اصبح مرتین مرة لما فاته و الاخری لیومه الذی یصبح فیه و لیفرق بینهما یکون احدهما مفردة و هی للامس و الاخری لزوال الشمس. حضرت فرمود قضاء را اول صبح بجا بیاورد، اداء رمی جمرات را هنگام اذان ظهر بجا بیاورد. این هم دلیل صاحب جواهر.

انصاف این است که این استدلال ناتمام است. چرا؟ برای این‌که این صحیحه عبدالله بن سنان راجع به قضاء رمی جمره عقبه یوم العید است که در روز یازدهم می‌خواهد قضاء کند آن را. امام می‌فرماید قضاء رمی جمره عقبه در روز عید را اول صبح انجام بدهد و اداء رمی جمرات روز یازدهم را هنگام ظهر انجام بدهد. واقعا ما احتمال خصوصیت نمی‌دهیم که بین قضاء رمی جمره عقبه در روز عید و اداء رمی جمرات روز یازدهم ترتیب باشد و واجب باشد فاصله بیندازیم بین این دو؟ این را ما احتمال نمی‌دهیم؟ چطور احتمال نمی‌دهیم؟ با این‌که رمی جمره عقبه در روز عید جزء حج است. ولی رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم خارج از حج هستند. صحیحه معاویة بن عمار روز دهم، یوم النحر گفت برو طواف کن سعی کن طواف نساء کن وقتی این کار را کردی فرغت من حجک کله، فارغ شدی از حج، و لو هنوز روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات نکرده. رمی جمره عقبه که کرد و رفت طواف و سعی و طواف نساء کرد امام فرمود فرغت من حجک کله. پس جمره عقبه جزء حج است در روز عید. اما جمرات روز یازدهم و دوازهم جزء حج نیست خارج از حج است. الغاء خصوصیت واقعا مشکل است.

آقای خوئی یک عبارتی دارند؛ این عبارت‌شان برای ما تازگی دارد. فرمودند که اصلا وجوب تقدیم قضاء رمی جمره عقبه یوم العید بر اداء رمی جمرات روز یازدهم این اصلا مطابق قاعده است. چون رمی جمره عقبه یوم العید از اعمال حج است. رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم بعد از فراغ از حج است. باید بین این‌ها ترتیب باشد اداءً و قضاءً. بر خلاف رمی جمرات روز یازدهم و دوازهم. این‌ها هر دو چه روز یازدهم چه روز دوازدهم از حج خارج است. حالا اگر من فراموش کردم رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم یادم آمد، این صحیحه دلیل نمی‌شود که قضاء رمی جمرات روز یازدهم هم حتما باید قبل از اداء رمی جمرات روز دوازدهم باشد یا دلیل باشد بر این‌که باید بین این دو فاصله بیندازم. ابدا.

می گوییم جناب آقای خوئی شما واقعا ملتزم می‌شوید این حکم در روایت علی القاعدة است؟ می‌دانید لازمه‌اش چیه؟ لازمه‌اش این است که کسانی که قربانی روز دهم گیرشان نیامده، یا نتوانستند در منی قربانی بکشند شما هم که فرمودید اگر به حرج نمی‌افتید باید بروی یک گوسفند بخری بگذاری روی کولت، بیاری در منی ذبح کنی، روز دهم نمی‌توانست، اما روز یازدهم یا دوازدهم می‌توانست، قربانی او تاخیر افتاده بود از روز دهم، حلق و تقصیرش تاخیر افتاده بود از روز دهم،‌ شما ملتزم می‌شوید که اول باید برود قربانی بکشد بعد برود رمی جمرات برای روز یازدهم و دوازهم؟ امروز روز مثلا فرض کنید دوازهم است، به من اطلاع دادند امروز می‌توانیم برای تو قربانی بکشیم در منی یا اصلا قربانی کشتن در منی را بگذاریم کنار، بالاخره من دیروز و پریروز نتوانستم قربانی بکشم، خیلی‌ها در مکه پیش می‌آید نوبت به آن‌ها می‌رسد روز دهم قربانی بکشند، قربانی آن‌ها می‌افتد به روز یازدهم،‌ ‌این زیاد پیش می‌آید، آقای خوئی ملتزم می‌شود که باید اول صبر کند این آقا قربانی او را بکشند بعد برود رمی جمرات روز دوازدهم را یا روز یازدهم را بجا بیاورد؟ به چه دلیل؟ به چه دلیل؟

[سؤال: ... جواب:] روایت که نگفت رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم باید بعد از فراغ از حج باشد و لذا می‌توانم قبل از طواف و سعی و طواف نساء رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم را بجا بیاورم. روایت گفت کسی که روز عید اعمال منی را انجام داد رفت مکه طواف و سعی کرد و طواف نساء کرد فرغ من حجه کله، اما نگفت که رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم حتما باید بعد از فراغ از حج باشد. خود آقای خوئی هم ملتزم نیست. خود آقای خوئی هم گفت جایز است تاخیر طواف و سعی الی ما بعد ایام التشریق. دلیل نداریم رمی جمرات روز یازدهم و دوازهم حتما باید بعد از فراغ از اعمال حج باشد. پس ما دلیل نداریم. لولا النص الخاص به چه دلیل رمی جمرات یازدهم و دوازدهم باید بعد از قضاء رمی جمره عقبه یوم العید باشد؟ دلیل ندارد. دلیلش همین صحیحه عبدالله بن سنان است. و این هم که شما اشکال کردید.

[سؤال: ... جواب:] الغاء خصوصیت نمی‌شود کرد که عرض ما بود یک بحث است. یک بحث دیگر این است که بگویید مقتضای قاعده است. ما می‌گوییم مقتضای قاعده بودنش حرف سنگینی است.

البته آقای وحید دام ظله احتیاط همین را می‌کنند که کسی که روز یازدهم و دوازدهم می‌خواهد قربانی بکشد رمی جمراتش را بنابر احتیاط واجب بگذارد بعد از قربانی بعد از حلق و تقصیر. ولی ما از آقای خوئی ندیده بودیم این بیان را. اینجا دیدیم که نمی‌دانم ملتزم هستند به لوازم این مطلب‌شان؟ لازمه‌اش همین است. چرا مقتضای قاعده این است که قضاء رمی جمره عقبه یوم العید اول انجام بشود و بعد اداء رمی جمرات روز یازدهم؟ ایشان می‌فرماید چون قضاء رمی جمره عقبه جزء اعمال حج است و رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم خارج از اعمال حج و بعد از فراغ از حج است. اگر این دلیل درست باشد باید تعمیم بدهیم نسبت به همان بحث قربانی، بحث حلق و تقصیر. قربانی شما را کشتند می‌گویی بروم رمی جمراتم را انجام بدهم روز یازدهم بعد بروم حلق کنم احتیاطا. باید بگوییم نخیر اول باید بروی حلق کنی چون حلق جزء اعمال حج است بعد بروی رمی جمرات با سر تراشیده. به چه دلیل آقا؟ دلیل ندارد این حرف.

این مطلب به نظر ما تمام نیست. پس این صحیحه عبدالله بن سنان علی القاعدة نیست. این اشکال اول. اشکال دوم به این صحیحه ان شاء الله روز شنبه.